

لطایف حکمی با کتاب قرآنی

یکی از مسائلی که در زبان و ادبیات فارسی همواره مورد بحث و تامل است، تاثیرپذیری زبان فارسی از واژگان اسلامی و نقش آموزه‌های قرآنی در ادبیات فارسی است.



یکی از مسائلی که در زبان و ادبیات فارسی همواره مورد بحث و تامل است، تاثیرپذیری زبان فارسی از واژگان اسلامی و نقش آموزه‌ها، قآند، د، ادبیات فارسی، است.

در اینجا به طور خلاصه به تاثیرپذیری زبان و ادبیات فارسی از قرآن می پردازیم تا هم به بعضی شائبه ها در این موضوع پاسخ دهیم و هم تاثیرات درخشان اسلام بر شکوفایی ادبیات ماندگار فارسی را مرور کنیم.

بعضی افراد به اشتباه معتقدند زبان فارسی، زبان خالصی بوده که پس از اسلام ناگهان از عربی تاثیر پذیرفته و عربی بر تمام سرزمین ما حاکم شده است، حال آن که بررسی دقیق شرایط تاریخی و جغرافیایی ایران پیش از اسلام چنین باوری را رد می کند. زبان عربی حتی پیش از ظهور اسلام در نواحی جنوب و غرب ایران - که مردم با اعراب عراق و عربستان در ارتباط بودند - به کار برده می شد، اما همان طور که می دانید تا پیش از ساسانیان مکتوب کردن آثار و گفته ها رواج نداشت و در دوران ساسانیان، آموزش نوشتن از آن طبقات منشیان و مغان زردشتی و درباریان بود یعنی عموم مردم اجازه خواندن و نوشتن نداشتند.

از طرف دیگر، زبان فارسی مانند تمام زبان های دنیا از کشورهای همسایه، واژگانی را به وام گرفته و این تبادلات فرهنگی اتفاق بدی نیست، ضمن این که ما باید میان بده بستان های زبان همسایه با زبان بیگانه تفاوت قائل شویم.

درودی که نماز اسلامی شد

از زمان ظهور اسلام و ورود آن به ایران، اصطلاحات فقهی و حقوقی متعددی وارد دایره واژگان فارسی زبانان شد و کاربردهای موثری برای مردمان آن زمان و آیندگان داشت. همان طور که می دانید بسیاری از دانشمندان بزرگ جهان اسلام ایرانی بودند و در مراکز مهمی مانند تبریز و خراسان بزرگ رشد یافتند و تاثیرگذار شدند تا جایی که حتی کتب اربعه شیعه را ایرانیان دانشمندی چون شیخ کلینی و شیخ صدوق نوشتند.

لغت ها مانند آدمیزاد هستند زیرا دوران پیدایی و طفولیت و تغییر دارند. برای نمونه کلمه «نماز» در فارسی به معنای درود بوده و در دیانت زردشتی - که دین اغلب ایرانیان بوده - نیز به کار می رفته و البته کلمه «صلاه» در زبان عربی کاربرد داشته، اما در هیچ یک به معنای آن 17 رکعت آموزش داده شده از سوی پیامبر اسلام نبوده است.

زکات نیز از واژگانی است که پیش از اسلام به کار می رفته و به معنای رشد و پاک شدن است ولی در فقه اسلامی، به مقداری معین از محصولات خاص با شرایط ویژه تعلق گرفت. سعدی در جایی کلمه زکات را به کار برده و گفته است:

زکات مال به در کن که فضلا رز را

چو باغبان ببرد، بیشتر دهد انگور

هنگامی که کسی زکات مالش را پرداخت می کند، موجب رشد مال خود می شود زیرا هم عده ای ناتوان از ثمرات مال او بهره مند می شوند و هم جامعه اسلامی با چنین پرداختی رشد می کند.

ماندگاری متاثر از قرآن

غیر از گسترش زبان فارسی از لحاظ ورود و پذیرش اصطلاحات فقهی و حقوقی اسلام، باید به تاثیرات قرآن در ادبیات فارسی و آثار بزرگانی مانند سنایی، عطار و مولوی اشاره کنیم.

شاعران فارسی زبانی که آیات قرآن را در آثارشان به کار برده اند، مذاهب مختلفی داشته اند و برداشت هایشان از قرآن، متاثر از فقیهان و مفسران مذاهبشان بوده است. بنابراین، پیش از هر چیز لازم است به این نکته اشاره کنم که امکان خطا در فهم معنای آیات از سوی شاعران تقریباً دور است زیرا شعر بیش از همه، جنبه زیبایی شناسی و مجازگویی دارد و خواه ناخواه از چنین اشکالاتی مبرا می شود. از طرف دیگر، استفاده از مفاهیم فقهی که معمولاً مورد اختلاف مذاهب است، کمتر در ادبیات فارسی استفاده شده و بیش از همه، ما با مفاهیم اعتقادی و عرفانی و آموزه های اخلاقی قرآن مواجهیم.

قرآن به چند طریق در ادبیات کشورهای اسلامی و از جمله زبان فارسی به کار رفته است. گاهی اوقات شاعر یک آیه کامل یا بخشی از یک آیه یا چند واژه از یک آیه را به کار برده، طوری که خواننده بتواند مابقی آیه را تشخیص دهد. شیوه دیگر، استفاده از تلمیح است یعنی اشاره ای نسبتاً دور به داستان های قرآنی یا آیاتی از قرآن. برای نمونه حافظ می گوید:

سال ها دل طلب جام جم از ما می کرد

وانچه خود داشت ز بیگانه تمنا می کرد

در سوره فصلت، آیه 53 آمده است: «بزودی آیات خود را در افق ها [ی گوناگون] و در دل هایشان بدیشان خواهیم نمود تا برایشان روشن گردد که او خود حق است.»

این آیه نشان می دهد که آیات انفسی و آفاقی برای هدایت انسان به او نشان داده می شود. در بیت مذکور نیز، حافظ کلمات آیه را به شکل مستقیم به کار نبرده، بلکه به صورت تلمیح و اشاره به آنها توجه کرده است.

آیات قرآنی چه به صورت صریح و چه به صورت ترجمه، گاهی اوقات برای نشان دادن مفاهیم و اهداف خاصی بیان شده اند و گاهی اوقات به منظور زیبایی شناسی برای تزئین متن با آیات قرآن. بیهوده نیست که شاعری مثل حافظ می گوید:

ز حافظان جهان کس چو بنده جمع نکرد

لطایف حکمی با کتاب (بیان) قرآنی

در اینجا حافظ خود صریحا بیان می کند که لطایف حکمت را با زبان قرآن بیان کرده است. ماندگاری چنین آثاری، از جهتی رو در این دارد که شاعران ما به طور ناخودآگاه تحت تاثیر مفاهیم قرآن قرار گرفته بودند و از کودکی مفاهیم قرآنی در ذهنشان نقش بسته بود. از طرفی، پس از اسلام شاعران برخاسته از توده مردم، فرصت یافتند برخلاف دوره های گذشته به دربارها راه یابند و شعر خود را ثبت کنند و احتمالا نسخی از کتاب آنها نوشته شود تا برای ما باقی بماند.

البته با وجود تمام این اتفاقات نیک، عده ای کم انصافی می کنند و می گویند: عرب ها با حمله به ایران، تمام آثار مکتوب را از میان بردند.

باید از این گروه پرسید، پس چرا با وجود حمله مغولان، آثار سعدی از بین نرفت و چرا با وجود رابطه بد سلطان محمود با فردوسی، آثار گراندقدر او نابود نشد؟

لازم است به دلایل ماندگاری شاعران مهمی چون فردوسی و نظامی و مولوی و سعدی و حافظ اشاره کنیم. شاعران ادبیات فارسی به طور کلی به دو دسته تقسیم می شوند. گروه اول کسانی که با حکمت و فلسفه و دین و فقه آشنا بودند و آنها را حتی حکیم می خواندند، مانند حکیم خاقانی شروانی و میرداماد و گروه دوم کسانی که فقط قدرت ایجاد زیبایی در شعر و بیان نیکو داشتند، مانند وحشی بافقی.

مسلم قرآن در آثار حکیمان شاعر مانند حزین لاهیجی نمود بیشتری داشته است. تعبیرات قرآنی به کار رفته در آفرینش هنری شاعران، همه برای آفرینش زیبایی و زیبایی شناسی سروده شده است.

از طرف دیگر، بعضی ترجمه های قرآن کریم به زبان فارسی، خود از آثار ادبی به حساب می آید، مانند ترجمه کشف الاسرار و ترجمه تفسیر طبری. ترجمه تفسیر طبری را هفت تن از علمای ماوراءالنهر به فارسی ترجمه کردند و اتفاقا کوشیده بودند تمام کلمات را به صورت فارسی بنویسند تا از این طریق هنر ترجمه خود و قابلیت های زبان فارسی را نشان دهند. ترجمه کشف الاسرار میبیدی نیز یکی دیگر از این آثار مهم است که در آن برای توضیح آیات سه مرحله در نظر گرفته شده است: نوبت اول ترجمه، نوبت دوم تفسیر و نوبت سوم تاویل. در بخش تاویلات کشف الاسرار، به نکاتی زیبا اشاره شده است. برای نمونه، عبارت یا ایها الذین آمنوا در قرآن به کار رفته است. در کتاب میبیدی، درباره مومنان واقعی و ویژگی های آنان صحبت شده است که مصادیق آن امیرالمومنین، ابوذر غفاری و سلمان فارسی معرفی می شوند.

در انتها می خواهم به یکی از ویژگی های خاص قرآن یعنی «یضل به کثیرا و یهدی به کثیرا» (سوره بقره، آیه 26) اشاره کنم. البته چنین گمراهی هایی بر اثر نبود علم و آگاهی قرآنی است و چنین سروده شده:

زان که از قرآن بسی گمراه شدند

زین رسن قومی درون چه شدند

مر رسن را نیست جرمی ای عنود

همه، ته، ا، سه داء، سه بالا نهد

دکتر احمد تمیم داری / استاد دانشگاه